نگاه

آنتونیو نگری در فارسی

آنتونیو نگری فیلسوف مارکسیست ایتالیایی، در ایران متفکری کاملا شناخته‌شده است. او در سال ۲۰۰۲ و درحالی‌که تقریبا اثری از او به فارسی ترجمه نشده بود به ایران آمد و در مرکز بین‌المللی گفت‌وگوی تمدن‌ها، حاشیه هنرمندان و دفتر انتشارات فلسفه‌ستیز سخنرانی کرد. پس از آن ترجمه آثار او به طور جدی کلید خورد و این روند تا امروز نیز همچنان ادامه دارد. البته معرفی نگری و ترجمه آثار او در ایران نیز گرفتار همان مشکلات و کج‌فهمی‌هایی شد که بر سر دلوز و برخی دیگر از چهره‌های فلسفه رادیکال قرن بیستم در ایران آمد. بااین‌حال، مجموع آثاری که از نگری به فارسی موجود است عبارتند از: «امپراتوری»، مایکل هارت و آنتونیو نگری، ترجمه رضا نجف‌زاده (۱۳۸۴)، «انبوه خلق: جنگ و دموکراسی در عصر امپراتوری»، مایکل هارت و آنتونیو نگری، ترجمه رضا نجف‌زاده (۱۳۸۶)، «کار دیونیسوس: نقدی بر ساخت حقوقی دولت مدرن و پسامدرن»، مایکل هارت و آنتونیو نگری، ترجمه رضا نجف‌زاده (۱۳۸۸)، «فضاهای جدید آزادی، خطوط جدید اتحاد»، فلیکس گتاری و آنتونیو نگری، ترجمه ایمان گنجی و کیوان مهتدی (۱۳۹۱)، «اعلامیه»، مایکل هارت و آنتونیو نگری، ترجمه پویا غلامی و پیمان غلامی (۱۳۹۲)، «هنر و ماشینوه» ترجمه فرهاد آقیرزاده، نشر چشمه (۱۳۹۵). بااین‌حال، مهم‌ترین آثار نگری را «امپراتوری» و «انبوه خلق» می‌دانند که در نظر منتقدان به‌وضوح تمرین دقیق سیاست دلوزی‌اند. آنچه در نظر منتقدان نگری خواندن این دو کتاب را چنین ضروری می‌سازد، تاکید بر تأمل نظری درباره جنبش واقعا جهانی مقاومت در برابر سرمایه‌داری است.

علیه‌جهانی‌سازی

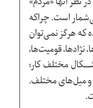

وقتی کتاب «امپراتوری» منتشر شد یکی از نشریات راست‌گرا در آمریکا الهام‌بخش جریان‌های ضد جهانی‌سازی از این کتاب را بسیار خطرناک توصیف کرد و کوشید بین این کتاب و حوادث ۱۱سپتامبر ارتباطی قائل شود. کتاب حاضر در درون یک پارادایم تلفیقی شکل گرفته است، پارادایمی که از یک سو از چپ نو ارتوازی می‌کند و از سویی دیگر به پست‌مدرنیسم نزدیک می‌شود. نقطه عزیمت این تلقی که نام آن را «پسامارکسیسم» نهاده‌اند، مارکسیسم است و البته با نگاهی به پست‌مدرنیسم. پسامارکسیسم نوعی نفی مطلق‌بودن مارکسیسم است و بیش از نقد هرآندیشه دیگری مارکسیسم ارتدوکس را به چالش می‌کشد. در نظر هارت و نگری ما اکنون در عصر جدیدی زندگی می‌کنیم به نام عصر جهانی‌سازی سرمایه‌داری. آنها در این کتاب نشان می‌دهند فرضیه اساسی‌شان این است که حاکمیت شکل جدیدی پیدا کرده و ترکیبی است از مجموعه‌ای از ارگانیسم‌های ملی و فراملی که با منطق واحدی اداره می‌شوند. در نظر آنها دوره جدیدی که در آن زندگی می‌کنیم دوره پست‌مدرن است و به‌تبع آن دوره امپراتوری. نگری بر این باور است که امپریالیسم تک‌مرکز سرد ولی امپراتوری به متمرکز و به سرزمینی و نه حتی سلسله‌مراتبی است بلکه قدرت امپراتوری شبکه‌ای است و متراکم. نگری و هارت با شیوه‌ای دلوزی از زیست سیاسی می‌گویند و متأثر از فوکو زیست سیاسی را به زیست- قدرت فرو می‌زند. ازاین‌رو، تاکید دارند تمام عرصه‌های زندگی انسان تابعی از آن است. آنها امپراتوری مبتنی‌بر جامعه انضباطی و کنترل‌شده است. بنابراین به این نتیجه می‌رسند که در عصر پست‌فوردیسم کار صرفا محدود به محیط کار نیست بلکه سراسر شالکه جسم و روح، زندگی فرد را درنوردیده و حیات او را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد و مضبط می‌سازد. از نظر نگری، در عصر امپراتوری فقط و فقط انبوه خلق (Multitude) با منشی شورشگری خود می‌تواند یک دگرگونی رادیکال در نظام سرمایه‌داری ایجاد کند.

مردم یکی، «ولی انبوه خلق» بی‌شمار است

«انبوه خلق» مفهومی است که نگری از واژه مشابه با جیشن‌ها و تغییرات جدید سرمایه‌داری معاصر پیشنهاد می‌دهد. «انبوه خلق» مفهومی است که نگری و نمی‌تواند به هیچ شکل تقلیل‌اش داد کـه ترکت دروني طبقه را نادیده بگیرد. نگری می‌گوید نشان دهد این مفهوم حول امر مشترک اجتماعی و در فضای خودانگیخته مبارزه ساخته می‌شود. ازاین‌رو، «انبوه خلق» را می‌توان متشکل از سوژه‌های کارخانه اجتماعی دانست. آن هم در دورانی که سرمایه‌داری تمام عرصه‌های زندگی را متقلد ساخته است. بااین‌ترتیب در نظر نگری «انبوه خلق» می‌شود سوژه طبقاتی دوران سرمایه‌داری نولیبرال که شامل کارگران یقه‌آبی و سفید، مشاغل صنعتی، خدماتی و خلاقی، کارگران آزاد، بی‌کاران، مشاغل قشار زیرمیزی، زنان مهاجر، کارگران جنسی، زندانیان و... می‌شود. نگری در کتاب «انبوه خلق: جنگ و دموکراسی در عصر امپراتوری» با کمک هارت می‌گوید «انبوه خلق» را نیز تئوریزه کند. آنها نشان می‌دهند برای درک درست خود خلق باید در سطح مفهومی آن را از دیگر مفاهیم مربوط به سوژه‌های اجتماعی، مثل مردم، توده‌ها و طبقه کارگر متمایز کند. آنها می‌گویند در کتاب حاضر تفاوت میان این مفاهیم را نیز تئوریزه کنند. در نظر آنها مردم به‌طور نسبی مفهومی یکپارچه بوده است. البته باید دارند مفهوم جمعیت با تمام انواع تفاوت‌ها مشخص می‌شود، ولی مردم این تنوع را به یکپارچگی فرو می‌کاهد و به جمعیت هویت واحدی می‌بخشد. در نظر آنها «مردم» یکی است. درمقابل نشان می‌دهند که انبوه خلق می‌شمار است. چراکه انبوه خلق از انواع هویت‌های درونی فراوانی تشکیل شده که هرگز نمی‌توان آنها را به وحدت و هویت واحدی تقلیل داد: فرهنگ‌ها، نژادها، قومیت‌ها، جنسیت‌ها و جهت‌گیری‌های جنسی‌ها، اشکال مختلف کار، شیوه‌های مختلف زندگی؛ جهان‌بینی‌های مختلف، و میل‌های مختلف. انبوه خلق چندگانگی تمام این تفاوت‌های یکانه است.

نقد دولت‌مدرن

دیگر کتاب مهم نگری با همکاری هارت کتاب «کار دیونیسوس: نقدی بر ساخت حقوقی دولت مدرن» است که حاصل چندین دهه از تاملات نگری و هارت در بنیان‌های سیاسی- فلسفی، حقوقی و اقتصادی اشکال مختلف دولت‌های مدرن و پست‌مدرن است. کتاب حاضر در بستر چرخش‌های مفهومی شاخ‌تی در اندیشه سیاسی دهه‌های اخیر شکل گرفته و نمودار گست و استمرار در سنت فوکویی دلوزی است. «کار دیونیسوس» دوراقع عرصه ساحت‌های است بین دوتن از نمایندگان این سنت و چندین نسل از متفکران عمدتا ایتالیایی و پست‌مدرن: گلسیت، کینز، بوبیو، راز، لومن، رونزی و تلوزو. در کتاب حاضر نویسندگان تبعات سیاسی حقوقی ویژه‌های مختلف تجدید ساختار سرمایه‌داری را با تأمل در بسترهای نظری فلسفی آنها بررسی، و نظریه قدرت نیل‌کار را مفصل‌بندی می‌کند.

وقتی به آبارتمان آنتونیو نگری هشتادوچهارساله دربارپس می‌رویم و با او دوبرک میز کشیده می‌نشینیم، دسته ضخیمی از برگه‌های بادداشت در دست دارد که با چشمانی نگران و حالتی متوقع به آنها چشم دوخته است. از زمان بازگشتش از سفر برزیل، که طی آن به معرفی کتاب «اجتماع» (Assembly)، جوامین پروژه مشترکش با مایکل هارت (که اخیرا توسط انتشارات دانشگاه آکسفورد به چاپ رسیده)، مبادرت ورزید، آنفولانزا امانش را بریده است. می‌گوید آنکوله که باید نمی‌تواند کار کند. او اکنون به‌عنوان فیلسوفی با شهرتی جهانی مشغول به کار بر بخش دوم انوبیوگرافی خود است که عنوانی با مسمی دارد: داستان یک کمونیست. این دیالوگ با مایکل هارت برنامه ریخته‌اند تا کتابی جدید بنویسند. در مصاحبت با نگری، با رفت و برگشت دائم او میان میل اسپینوزایی و عمل مارکسیستی دیگر جایی برای بادکردن از گذشته‌ها باقی نمی‌گذارد. بل خود را در وضعیتی می‌یابید که از نظرگاهی معاصر به صحبت‌کردن مشغول هستید.

■ امروزه علی‌الظاهر تنها کارچاق‌کن‌ها و متخصصان ماستمالی‌اند که به کلمه «جنبش» اعتقاد دارند. یعنی همان افرادی که پول می‌گیرند تا برنامه‌هایی درباره انتخابات را سرهم‌بندی کنند. برای شخصی مثل شما که اعتقاد راسخ‌تان به انقلاب موجب شد تا شیوه زندگی‌تان از بیخ و بن تغییر کند، این کلمه حاوی چه دلالت‌هایی است؟

برای من، این کلمه بدین معناست که این ما نیستیم که انقلاب را می‌سازیم، بلکه انقلاب ما را می‌سازد. باید دست از اسطوره‌پردازی درباره انقلاب برداریم: انقلاب یعنی پیوسته زندگی‌کردن و ساختن لحظات جدید و مبتنی بر گست. انقلاب یک رخداد نیست، بلکه یک هستی‌شناسی است. انقلاب در یک رخداد نیست. بلکه یک روسپیه را بس زوجت تجسم می‌یابد. انقلاب یعنی مولدشدن نیروهای مولد. شیوه‌های مشترک مردم برای زندگی و عقل جمعی

این ما نیستیم که انقلاب را می‌سازیم، بلکه انقلاب ما را می‌سازد. باید دست از اسطوره‌پردازی درباره آن برداریم؛ انقلاب یعنی پیوسته زندگی‌کردن و ساختن لحظات جدید و مبتنی بر گست. انقلاب یک رخداد نیست. بلکه یک هستی‌شناسی است. انقلاب در یک رخداد نیست. بلکه یک روسپیه را بس زوجت تجسم می‌یابد. انقلاب یعنی مولدشدن نیروهای مولد. شیوه‌های مشترک مردم برای زندگی و عقل جمعی

ما باید به کل این تصور یا به دست فرامونش بسپاریم که جنبش یا مبارزه در آینده این امکان را پیدا می‌کند که تشکیلات، در نتایجه، ایجاد کند. جنبش‌ها حوز یک نیرو هستند، و این نیرو به رسمیت شناخته خواهد شد. استراتژی ما خود جنبش‌ها هستند که زاییده جریان روی رخ نیستند، یا به بیان دیگر یا وساطت چیزی رازآمیز که به یک‌باره در جامعه تجسد پیدا کرده است یا به عرصه وجود نگذاشته‌اند. آنچا قدم به قدم به همه مرازهای مردم دیگر، که هریک از خودشان آغاز می‌کنند، به‌گونه‌ای اتصامی می‌یابند. سیاست به‌گونه‌ای جمعی ساخته و پرداخته می‌شود.

شوراها هنوز برای ما الگویی است که می‌شود به آن فکر کرد. شورای که خود زاییده یک وجه تولید خاص است و نیروهای مولد و اجتماعی را با یکدیگر پیوند می‌دهد. اکنون، در جهانی زیر و زبر شده شوراها همچنان ابزاری نیرومند محسوب می‌شوند.

■ فکری کنید که شوراها هنوز موضوعیت دارند؟

امروز باید نهادهای غیردولتی و غیرخصوصی ایجاد کرد. این نهادها ممکن است کارهایی انجام دهند از قبیل مدیریت‌کردن آب به‌عنوان یک دارایی مشترک، مبارزه علیه خشونت پلیس در فرانسه یا ایالات متحده، شرکت در مبارزات علیه بومیان در آمریکای لاتین، یا تجهیز در مبارزات فمینیستی. یک ساختار سیاسی جدید تنها از دل پیوندخوردن این نیروها با هم ساخته و ایجاد می‌شود. اتحاد یک نهاد را خلق می‌کند نه یک حاکم بل نیاز به با هم بودن، تولیدکردن و در کنار هم زندگی‌کردن است. اینه بنیادین شوراها جیزی نبود جز سازمان‌دهی شیوه زندگی‌کردن در یک جامعه صنعتی، جامعه‌ای که در آن همکاری اجتماعی در سطح بسیار بالایی قرار دارد و این امکان را دارد که بتواند از خواست‌های سیاسی یک نیروی مولد قدرت خویش را اعمال کند.

■ در کتاب، برای توصیف این ساخته‌شدن شما از اصطلاح جالبی استفاده می‌کنید: «کارآفرینی انبوهه خلق». معنای این اصطلاح چیست؟

در برخی از نقدهای برآمده از جهان انگلوساکسون، ما به خاطر این مفهوم به‌اشتقاق‌هایی گیرند. طبق گفته آنها، شما دارید از «ایدئولوژی» صحبت می‌کنید. اما به نظر من، رابطه بین کارآفرینی و نهاد (Institution) - که از فعل انستیتو (به معنای ساختن، تجمع‌بخشی یا هماهنگ) مشتق شده است - چیزی است که می‌بایست با جمع‌بهای تولید موجود بیرون می‌آید. وجه تولیدی که به زندگی کنونی‌مان شکل می‌دهد. انقلاب دیگر «قابله تاریخ» نیست که با ابزر قابلگی در دست ورود نوزادی را به جهان انتظار می‌کشد. بلکه انقلاب خود آن نوزاد است.

■ در فیلمی با زبان و تصاویر امروزین، رهیافت شما به‌اغراق مبتنی بر کوبای راکیل است و به‌ویژه در بررسی مسائل امروز جامعه آمریکا و غرب پرداخته است. و از این منظر بیست درس از دل تاریخ قرن بیستم و سازوکار حاکمان جیز فاشیست، نازیست و کمونیست بیرون کشیده‌اند تا به کمک آنها وضعیت امروز غرب را آسان‌تر سازد. پیشاپیش اعلام نکنید، از نهادها دفاع کنید. مراقب دولت‌های تک‌حزبی باشید. ارتباط چند ترجمه همزمان از یک کتاب پرفروش و گاه نه‌چندان مهم در غرب برای برآوردن نیازهای «بازار»، تازه‌تری، و نه آخریس نمونه از این مورد کتابی است که پس از برای آوردن ترامپ و اصلاحیست اجتماعی نسبت به فاشیسم در آمریکا توانسته جزو پرفروش‌های نیویورک‌تایمز از سال ۲۰۱۷ باشد و شاید به‌همین‌دلیل شاهد مسابقه ترجمه آن به فارسی هستیم. «استبداد»، «خودکامگی» و «در برابر استبداد» عنوان سه ترجمه فارسی از یک کتاب‌اند که به‌ترتیب در نشر نو، کتاب پارسه و نشر گمان منتشر شده‌اند. کتابی ۱۲۰صفحه‌ای که تیموتی اسنایدر، استاد تاریخ دانشگاه ییل، اخیرا منتشر کرده است.

در مقدمه اسنایدر می‌خوانیم این کتاب کوتاه فقط پیش‌درآمدی است بر یک مطالعه وسیع‌تر درباره ریشه‌های تاریخی مشکلات دموکراسی در شرایط امروزی. او با این مقدمه و با نگاه یک مورخ به بررسی مسائل امروز جامعه آمریکا و غرب پرداخته است. و از این منظر بیست درس از دل تاریخ قرن بیستم و سازوکار حاکمان جیز فاشیست، نازیست و کمونیست بیرون کشیده تا به کمک آنها وضعیت امروز غرب را آسان‌تر سازد. پیشاپیش اعلام نکنید، از نهادها دفاع کنید. مراقب دولت‌های تک‌حزبی باشید. ارتباط چشمی برقرار کنید و کمی حرف بزنید. یک زندگی خصوصی بی‌رسزی کنید و مقاصد خوب را یاری کنید. همین‌دوست باشید و... از جمله این بیست درس اخلاقی هستند. نوسنده اباور می‌سد که این کتاب را در واکنش به اتراپ انتخاب و بیم و هراس‌ها از تبدیل دموکراسی آمریکا به حکومتی استبدادی نوشته: «تاریخ قرن بیستم اروپا به ما می‌آموزد که چطور ممکن است جوامع دموکراتیک بشکنند. دموکراسی‌ها سقوط کنند. اخلافیات فروپاشند. و مردمان عادی به‌یک‌باره خودشان را سلحه‌به‌دست بالای سر کوپرای دسته‌جمعی بیابند. درک دلایل به‌وجودآمدن این شرایط برای امروز ما بسیار مفید خواهد بود». تیموتی اسنایدر پیش از این با کتاب «سرزمین مرگ» خود جیلوز زیادی مثل جایزه اندیشه سیاسی هانا آرنت، جایزه نقد ایالوی لایبزیک، جایزه علوم انسانی امرسون، جایزه ادبی آکادمی هنر و ادبیات آمریکا، را برده بود و کتاب‌هایش تاکنون به بیش از ۳۰ زبان دنیا ترجمه شده‌اند.

اسنایدر معتقد است که مردم امروز آمریکا و غرب باهوش‌تر از اروپایی‌هایی نیستند که در قرن بیستم در دام فاشیسم و نازیسم و کمونیسم گرفتار شدند. و مردم امروز هیچ‌جای چهان مصون از تکرار اشتباهات گذشته نیستند.

■ آیا همه آن چه که گفتید به معنایی حزب به دست می‌آید؟ آیا استدلال شما معطوف به حزب است؟

آنتونیو نگری، فیلسوف رادیکال ایتالیایی، شورشی چپ‌گرای جنبش کارگری و دانشجوی معترض دهه‌های ۶۰ و ۷۰ ایتالیاست که اکنون بی‌تردید یکی از چهره‌های چپ‌گرایان‌اکنر جهر اروپاست. او به دنبال اختلاس در اداره‌ی کمونیست کمونیستی است تا از این طریق بار دیگر کمونیسم را به‌عنوان یک جیزی زنده کند. نگری اکنون ۸۴ ساله است و زندگی پرفراز‌ونشیبی داشته. وقتی دوساله بود پدرش به دست فاشیست‌ها به قتل رسید. او یکی از بنیان‌گذاران حزب کمونیست ایتالیا بود. در سال ۱۹۵۸، در زمان دانشجویی، به کمیته مرکزی کارگری شمال ایتالیا پیوست و شوراهای کارگری را با کرد و به سازماندهی تظاهرات سیاسی پرداخت. در اوول دهه ۱۹۶۰ پافشاری او بادامه اقدامی بی‌سابقه کوشید جیزی جلوتر از استادی نشاند. نگری همواره حزب را کمونیست معرفی می‌کرد ولی به معنایی که برای بیشتر کمونیست‌ها بسیار نداشت. جراکه به سلامکوردن حزب کمونیست نه‌فقط سیاسی‌ها بلکه دولت را هم نقد می‌کرد. حرکت فکری نگری برای تمارک مارکس

کتابی که نه. امروز دیگر خودآیینی امر سیاسی به معنای آنچه لنین می‌گفت نیست، بلکه خودآیینی امر سیاسی امروز معادل پیوپولیسم است. در هر عصر، خودآیینی امر سیاسی، اگر کسی بخواهد از کلی صحبت‌کردن در خصوص آن اجتناب کند، به طریقی مشروط است. افزون بر این، خودآیینی امر سیاسی امروز تقلیل پیدا کرده است به‌گونه‌ای بازی زبانی که با استفاده از مفاهیم و اشارات نهادی هدف آن مردمانی مطلع و تسلیم را در سر نمی‌پروراند.

این‌روزها مشغول مطالعه دراب اتفاقاتی هستم که دارد در ایتالیا می‌افتد. ایتالیایی که در آن قانون انتخابات مدتهاست که بدل به محلی شده برای این نوع از استفاده تبعیض‌آمیز از امر سیاسی. این یعنی سواستفاده آشکار از مردم و اجماع عمومی. به نظرم نه فقط معیار نمایندگی دچار بحرانی است که روزبه‌روز هرچه جیرتر می‌شود بلکه قضیه جیزی فراتر از این‌هاست. هدف این است که مردم را از تجربه‌کردن شیوه‌های جدید نهادی و تولیدی برای اداره خودشان بازدارند.

■ سوسیال‌دموکراسی امروز دچار بحران است و بسیاری بر این باورند که می‌شود از طریق «نسخه دست جپ» پیوپولیسم بر این همزمان از احیای سیاسی‌های یکانه‌خواهی سیاسی با نیودومیس و از همخانیدن اذواج افراد دارای حسیات مساوی‌اند. به نظر شما می‌شود تفسیری مشابه از نیودومیس با نظر شما جنین شخصیتی نیز صحیح است؟

ما در پاریس ماندم و در کنار میشل کوفوک، ژیل دلوز و فلیکس گاتاری عضو حلقه روشنفکران فوکوی فلسفه. نگری در سال‌های تبعید به فعالیت نظری پرداخت و در ماهیت سرمایه و اوامتداد مرکزی دولت و ماهیت نیروهای دموکراتیک انقلابی جهیدن کارگران، شورشیان و فولرا تحقیق کرد. او سرانجام در سال ۱۹۹۷ به ایتالیا بازگشت و کوشید دولت را راضی کند که در مورد صدها نفری که به‌خاطر قضایای دهه ۱۹۷۰ در زندان و تبعید مانده بودند به راحلی اساسی راضی شود اما موفق نشد و در نهایت خودش هم به ۱۳ سال زندان محکوم شد. او به زندان رفت و در این دوران یکی از مهم‌ترین کتاب‌های قرن بیستم را نوشت. سرانجام نگری در سال ۲۰۰۳ آزاد شد. او در سال ۲۰۰۲ با مایکل هارت، فیلسوف آمریکایی، کتاب «امپراتوری» را منتشر کرد که بسیاری از آن به‌عنوان «مانیفست تازه کمونیستی» در دوران جهانی‌سازی نام می‌بردند. اگرچه به این کتاب انتقادات فراوانی وارد است، یکی از پرفروش‌ترین کتاب‌های اروپا بود.

انقلابی زنده

از خوانش مارکسیستی شکل گرفته بود. بااین‌حال، در دوران تدریس تا ایجاد کمون‌های خودمختار در چند شهر ایتالیا هم بیش رفت. او گروهی را در سال ۱۹۶۹ با کد و یکی از اعضای برجسته خودگردانی کارگری بود. ازاین‌رو، به دشمن شماره‌یک نیروهایی بدل شد که اجازه نمی‌دادند کمونیست‌ها به قدرت برسند. در این دوران فاشیست‌ها به اقدامات تروریستی متعددی روی آوردند و با ابزارهای تبلیغاتی‌شان کوه‌های چپ‌گرا را مقصر جلوه دادند. یکی از هولناک‌ترین فجایع مربوط به بمب‌گذاری ۱۲ دسامبر ۱۹۶۹ در میلان بود که در آن ۱۲ نفر به قتل رسیدند و کمونیست‌ها عامل انفجار معرفی شدند. پس از این دوران در سال ۱۹۷۹ نگری همراه با ۶۰ روشنفکر دیگر دستگیر شدند. در آن ماه بیش از ۱۵۰۰ نفر دستگیر شدند. بااین‌حال، در دوران محاکمه شبکه‌های تروریستی نیز شده بود. او از اتهام رهبری و سازماندهی فعالیت‌های تروریستی تبرئه شد اما از نظر اخلاقی و علنی به‌عنوان مسئول خودمختار مجرم شناخته شد. او در زندان به مطالعه اسپینوزا پرداخت. نگری از ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ سال در عمر خود را در زندان و تبعید در فرانسه گذراند. در سال ۱۹۸۳ نگری در زندان بود ولی از سوی حزب رادیکال به نمایندگی مجلس انتخاب شد و متعاقب آن از زندان بیرون آمد. اما چند ماه بعد مجلس مصونیت قضایی او لغو گردید و نگری به‌جای ایتالیا دوباره به زندان بازگردد یا قایق هاجیگری به فرانسه گریخت. داده‌های نگری را به صورت غیابی محکوم اعلام کرد. بااین‌حال، او تا نومود قسمی خلا یا بوجی‌ای است که خود را برتولیو میکند. همچون جیز شخصیت‌ها، او نیز نه یک سوژه بلکه یک محصول است. وقتی بدترین غرایز برانگیخته‌می‌شوند، محصولی از این دست متولد می‌شود و به نقطه‌ای می‌رسد که با آنچه واقعا در زندگی‌اش وجود دارد به هولناک‌ترین و غیرمتعارف‌ترین شکل ممکن تناقض دارد. پوپولیسم در ذات خود به جنین جوری تبدیل می‌شود: خلق یک مردم و بدل‌کردن آن به جیزی که جیزی واقعیت وجودی نیست دارد. این تناقض که خورده است به مفهوم ملت و متعاقبا، به‌ترتیب، پیوند می‌خورد به مفهوم تعلق منطقه‌ای و تعلق خانوادگی. خطر عظیمی که ما را تهدید می‌کند خطر فسادی است که از دل این تناقض بیرون می‌آید. در زندگی، اشخاص بسیاری را دیده‌ام که بام خانواده جهلاتکرین اتمامی‌ها و بدترین فسادها را احداد داده‌اند. پس بیشت این اشکال از تعلق تنها سعیفت و عصیت قبیله‌ای جیلویه است.

■ می‌شود کمی در مورد دیگر اواع پیوپولیسم نیز صحبت کنید؟

مثال بسیار بارز آن ترامپ است. مکرون در فرانسه نیز متاسه او است. البته به شیوه خودش. جیرهت می‌گوشد. براساس پیروژه آن ژوبه (نخست‌وزیر سابق فرانسه)، همچون تکنوکراتی رفتار کند که راست و چپ را به مبابه سپهر سیاسی جدید میان می‌کند.

■ پوپولیسم دست جپی قسمی «پوپولیسم بدلی یا تقلبی» است. شک دارم که این منطق، آن‌گونه که توسط فیلسوف آرژانتینی ارنستو لاکلائو نظریه‌پردازی شده است، اساسا بتواند فرمول‌هایی بسازد که با فرمول‌های «سوسیالیسم ناسیونالیستی» فرق داشته باشد. در اسپانیا، بحث‌های زیادی حول این موضوع در خود پودموس در گرفت و در پایان این جریان ناسیونال-پوپولیست بود که توانست با فشار برنامه انتخابات باشد. تناقض اصلی خود را در نسبت نقش جنبر با جنبش‌های موجود نشان داد: جنبر آیا باید بایا حزب از جنبش‌ها حمایت کند و کوبانای انتلاف شکل دهد، یا اینکه اینجا بایستی جنبر باشد و به‌عنوان یک جنبر کلاسیک حفظ شده، جیزی که طرح و برنامه‌اش جیزی نیست جز یافتن افرادی که حاضرند در جبهه جنبر قرار گیرند. نهایتا این پروژه همان «سوسیال‌دموکراسی بدلی» بود که پرند شد، یک برنامه اصلاح جیب.

■ در طرف دیگر طیف پوپولیسم قرار مثل آلپس وابدل قرار دارند که عضو جزب راست رادیکال «آلترناتیو برای آلمان» است. او نمود بارز شخصی است که به شکلی جنجالی دست به واروونه‌سازی جایگاه‌ها در جنبش‌های مختلف می‌زند: دگرباشی که با نبعه‌ای از سروبالکان ازدواج کرده، او برای شرکت‌های کلدمن ساکس و آلیانز کار می‌کند و همزمان از حامیان سیاست‌های یکانه‌خواهی سیاسی است. و همچنین از اعتقادان اذواج افراد دارای حسیات مساوی‌اند. به نظرشما جنین شخصیتی نمونه جیز جیزی است؟

در پاریس ماندم و در کنار فوکو، دلوز و گاتاری تبعید کردم. نگری متهم به هدایت مخفیانه شبکه‌های تروریستی بود. او از اتهام رهبری و سازماندهی فعالیت‌های تروریستی تبرئه شد اما از نظر اخلاقی و علنی به‌عنوان مسئول خودمختار مجرم شناخته شد. او در زندان به مطالعه اسپینوزا پرداخت. نگری از ۱۹۷۹ تا ۲۰۰۳ و ۲۰۰۴ سال عمر خود را در زندان و تبعید در فرانسه گذراند. در سال ۱۹۸۳ نگری در زندان بود ولی از سوی حزب رادیکال به نمایندگی مجلس انتخاب شد و متعاقب آن از زندان بیرون آمد. اما چند ماه بعد مجلس مصونیت قضایی او لغو گردید و نگری به‌جای ایتالیا دوباره به زندان بازگردد یا قایق هاجیگری به فرانسه گریخت. داده‌های نگری را به صورت غیابی محکوم اعلام کرد. بااین‌حال، او تا نومود قسمی خلا یا بوجی‌ای است که خود را برتولیو میکند. همچون جیز شخصیت‌ها، او نیز نه یک سوژه بلکه یک محصول است. وقتی بدترین غرایز برانگیخته‌می‌شوند، محصولی از این دست متولد می‌شود و به نقطه‌ای می‌رسد که با آنچه واقعا در زندگی‌اش وجود دارد به هولناک‌ترین و غیرمتعارف‌ترین شکل ممکن تناقض دارد. پوپولیسم در ذات خود به جنین جوری تبدیل می‌شود: خلق یک مردم و بدل‌کردن آن به جیزی که جیزی واقعیت وجودی نیست دارد. این تناقض که خورده است به مفهوم ملت و متعاقبا، به‌ترتیب، پیوند می‌خورد به مفهوم تعلق منطقه‌ای و تعلق خانوادگی. خطر عظیمی که ما را تهدید می‌کند خطر فسادی است که از دل این تناقض بیرون می‌آید. در زندگی، اشخاص بسیاری را دیده‌ام که بام خانواده جهلاتکرین اتمامی‌ها و بدترین فسادها را احداد داده‌اند. پس بیشت این اشکال از تعلق تنها سعیفت و عصیت قبیله‌ای جیلویه است.

■ می‌شود کمی در مورد دیگر اواع پیوپولیسم نیز صحبت کنید؟

مثال بسیار بارز آن ترامپ است. مکرون در فرانسه نیز متاسه او است. البته به شیوه خودش. جیرهت می‌گوشد. براساس پیروژه آن ژوبه (نخست‌وزیر سابق فرانسه)، همچون تکنوکراتی رفتار کند که راست و چپ را به مبابه سپهر سیاسی جدید میان می‌کند.

■ پوپولیسم دست جپی قسمی «پوپولیسم بدلی یا تقلبی» است. شک دارم که این منطق، آن‌گونه که توسط فیلسوف آرژانتینی ارنستو لاکلائو نظریه‌پردازی شده است، اساسا بتواند فرمول‌هایی بسازد که با فرمول‌های «سوسیالیسم ناسیونالیستی» فرق داشته باشد. در اسپانیا، بحث‌های زیادی حول این موضوع در خود پودموس در گرفت و در پایان این جریان ناسیونال-پوپولیست بود که توانست با فشار برنامه انتخابات باشد. تناقض اصلی خود را در نسبت نقش جنبر با جنبش‌های موجود نشان داد: جنبر آیا باید حزب از جنبش‌ها حمایت کند و کوبانای انتلاف شکل دهد، یا اینکه اینجا بایستی جنبر باشد و به‌عنوان یک جنبر کلاسیک حفظ شده، جیزی که طرح و برنامه‌اش جیزی نیست جز یافتن افرادی که حاضرند در جبهه جنبر قرار گیرند. نهایتا این پروژه همان «سوسیال‌دموکراسی بدلی» بود که پرند شد، یک برنامه اصلاح جیب.

■ در طرف دیگر طیف پوپولیسم قرار مثل آلپس وابدل قرار دارند که عضو جزب راست رادیکال «آلترناتیو برای آلمان» است. او نمود بارز شخصی است که به شکلی جنجالی دست به واروونه‌سازی جایگاه‌ها در جنبش‌های مختلف می‌زند: دگرباشی که با نبعه‌ای از سروبالکان ازدواج کرده، او برای شرکت‌های کلدمن ساکس و آلیانز کار می‌کند و همزمان از حامیان سیاست‌های یکانه‌خواهی سیاسی است. و همچنین از اعتقادان اذواج افراد دارای حسیات مساوی‌اند. به نظرشما جنین شخصیتی نمونه جیز جیزی است؟

طی هفته‌های گذشته سه ترجمه از دیگ کتاب کوچک به بازار آمد

در دفاع از جی‌رایت

استبداد
ترجمه: پژمان طهرانیان
نشر نو
قیمت: ۱۱۰۰۰ تومان

خودکامگی
ترجمه: شهاب‌الدین عباسی
کتاب پارسه
قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

در برابر استبداد
ترجمه: بابک واحدی
ناشر: گمان
قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

ولی ما امروز کمی فرصت و موهبت را داریم که می‌توانیم در احوال گذشتگان مطالعه کنیم و از اشتباهات آنها درس بگیریم. درس‌هایی مثل پیدا درس این کتاب که می‌شود در مدتی کوتاه آنها را خواند و در بهرهای از آن برد. کتابی که باید از دهن داشت. کتابی با نظرات «پرنیان مؤسس» در مورد قانون اساسی آمریکا و چندماد از پیش‌روی آنها آغاز می‌شود و با دخت نشانه‌های برآمده از جامعه آمریکا شرایط امروز را در جهتی متضاد با آرمان‌های آزادی‌خواهانه برای آمریکا می‌داند.

نویسنده در مقدمه خود تحلیلی درباره رشد فاشیسم و کمونیسم ارائه می‌دهد و هر دو را واکنش‌هایی به جهش‌دن، نابرابری‌های واقعی و ملموسی که جهش‌دن آورد. در اوایل قرن بیستم، با ظهور نکرش‌ها و آرمان‌های تازه سیاست‌های تودەوری که در آنها یک پیشوا حزب مدعی می‌شد مسئولیت اداره و حیات مردم را نمایندگی می‌کند. این امیدها به مخاطره افتاد. دموکراسی‌های اروپایی فروپاشیدند و جای خود را به سلطه‌جویی راست‌گرایان فاشیست در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ دادند. در دهه ۱۹۲۰ هم اتحاد جماهیر شوروی که در سال ۱۹۲۲ مستقر شد بود الگوی خود را از اروپا گیری داشت. اتحاد جماهیر، به نام اراده، عقل و منطق را رد کردند و به انکار حقیقت‌های عینی برخاستند تا افسانه باشکوهی را برجسته سازند که پیشوایان بزرگ مدعی‌اند. این پیشوایان با این استدلال که مشکلات بحرانی حاصل از جهانی‌شدن نتیجه دسیسه‌ای است که علیه ملت جدید شده است. چهره دیگری به جهانی‌شدن دادند. کمونیست‌ها مدت بیشتری در قدرت بودند. نیت آنها حکومت توسط گروهی نخبه منضبط حزبی بود که با متحرک‌کردن عقل و خرد به جهان، با به قوانین ظاهرا تجربی‌نابذیر تاریخ، جامعه را به سوی آینده هموار مدت می‌کرد. نویسنده در بی‌گفتاری با نام «تاریخ و آزادی» به نقد دو نوع سیاست‌ورزی «ضدتاریخی» رایج برای ف